

باز هم زنگ هنر و معلم هنر!

کمک کند. وقتی استاد برجسته‌ای از عامل طرح سیاه و سفید چاپ شده در کتاب هنری و با نقش گرفتن يك سطر از **میرعماد** به عنوان نقطه عزیمت برای ورود به دنیای زیبایی یاد می‌کند، باید به جایگاه ویژه معلمان هنر توجه کنیم. این توجه در درجه اول از همان معلم هنر وارسته برآمدنی است که می‌خواهد زندگی را از صافی هنر برای بچه‌ها زیباتر، رنگین‌تر و دلنشین‌تر نمایش دهد.

پیکاسو در جایی گفته است: «ای کاش که من در ایران یا چین به دنیا می‌آمدم که هر چه را می‌کشیدم، شعر بود» این نکته از زبان يك نقاش مدرن قرن بیستمی غنای فرهنگی و هنری ایران را نشان می‌دهد که گاه به خاطر گرفتاری در کمند روزمرگی و از فرط نزدیکی به موضوع آن را فراموش می‌کنیم. سرزمین ایران خاستگاه هنرهای متنوع و رنگارنگی است که هر کدام نماد هویت و نشان ظرافت و صیقل خوردن روح ایرانی است.

هنرجویان ایرانی می‌توانند با استفاده از هنرهای دیار سبز گیلان و مازندران، اصفهان همیشه هنرور و یزد، این تختگاه کویر تادوردست‌های آذربایجان و سیستان، سواحل نیلگون خلیج فارس، سرزمین پاك نژادان کرمانشاه و خوزستان، و عشایر پهن دشت چهارمحال و کهگیلویه و صدوها گوشه شناخته و ناشناخته آن، «زنگ هنر» را با عشق آغاز کنند و با همان نگاه‌های ساکت و آرام، کم‌کم باندای هنر غوغای درون خویش و احساس و عاطفه خود را بعد از خط‌خطی‌های طرح و نقش، شکل‌نهایی بخشد.

هنر در دوران نوجوانی سرشار از عاطفه و احساسی است که نوجوانان می‌خواهند از خود بروز دهند. این احساسات و عواطف حتی اگر در

مطالعه سرگذشت نامه‌های هنری و انجام گفت‌وگو و مصاحبه با اهل هنر در بردارنده نکات مهم و درس آموزی است. وقتی که دایره بررسی اهل هنر در قالب هم‌نشینی‌ها و دادوستد فکری فزونی می‌یابد، آرام آرام به نقش تعلیم و تربیت هنری اولیه در بالیدن و شکوفایی افرادی که بعدها به هنرمندان شاخصی تبدیل شده‌اند، پی می‌بریم. واقعیت این است که بسیاری از این هنرمندان اولین نقش مایه‌های هنری تأثیرگذار را، از تصاویر کتاب هنر خود، هنر آفرینی معلمان هنر و تشویق‌ها و راهنمایی‌های مربیان تعلیم و تربیت به دست آورده‌اند.

هنرمند برجسته‌ای وجود ندارد که تأثیر این چند نکته مهم را در قوام و انسجام شخصیت هنری خود نفی کند و اثر ماندگار آن‌ها را در سرنوشت هنری خویش نادیده بگیرد. این‌ها که نمونه‌های پرشماری می‌توان برایشان مثال زد، حاصل مدرسه، کلاس، معلم، کتاب و عشق به هنر است که تجلی آن شکل گرفتن شخصیت‌های ماندگار هنری است. هر چه که بر دایره تجربه در مصاحبت با بزرگان هنر افزوده می‌شود، می‌توان دریافت که اکسیر تعلیم و تربیت چگونه مس وجود آدمی را به طلا تبدیل می‌کند. اما آیا مانند نگارنده این مقاله باید منتظر ماند که تجربه آدمی افزوده شود تا عاقبت روزی به جایگاه نهاد مقدس آموزش و پرورش پی برد؟ یا اینکه می‌توان با تقویت باور و ایمان خود به تأثیرگذاری کلاس و جز به جز اجزای آموزش هنری، اثرگذاری آن را دوچندان کرد؟

تلطیف حس هنری و عمق بخشیدن به نگاه زیباشناختی کودکان، بی‌شک می‌تواند به ایجاد شخصیتی متعادل و پرورش ذوق سلیم در آنان

زمینه و بستر خانوادگی به خاطر گرفتاری‌ها فهمیده نشوند، حتماً به وسیله معلم گران قدر هنر درك می‌شوند و پاسخ گرم و صمیمانه او نیز راهی روان پاك دانش‌آموزان خواهد شد.

گونه گفته است: «نیکی را فقط به خاطر نکویی انجام بده.»

معلم مهربان و محبوب هنر! هرگونه عمل شیرین و اثرگذار تو در قوام‌بخشی به شخصیت هنری دانش‌آموزان صدها برابر پاسخ مثبت خواهد گرفت. زیرا در عرصه هنروری شاگردپروری و پرورش شاگرد

از لذات فراموش‌نشده‌ی ماندگار است. حال که راهوار کلام به انتهای راه می‌رسد، آرزو می‌کنم درون‌مایه اصلی هنر را که همان «عشق و شور» است، به خوبی دریابیم و این سرمایه بی‌زوال را با کار بیشتر و مهارت کیفی افزایش دهیم. در فرهنگ ما شعر فشرده مفاهیم غنی و ارزش‌هاست و شاعر می‌فرماید:

روح پدرم شاد که فرمود به استاد
فرزند مرا عشق بیاموز و دگر هیچ